

آینه‌ای در غبار

در سوگ مردم، در آزمون روایت



امیرحسام اسحاقی

استاداندکشا

در هنگامه بحران‌های سهمگین اجتماعی-اقتصادی و تلافی آن با اعتراضات، و در زمانی که غبار ابهام و سایه سنگین اندوه بر فضای عمومی چیره می‌شود، روزنامه‌نگاری در سخت‌ترین آزمون اعتبار حرفه‌ای و انسانی خود قرار گرفته است؛ آزمونی که در آن فاصله میان «گزارش واقعیت» و «حفظ کرامت انسانی» به باریکی یک مو می‌رسد و رسانه دیگر صرفاً یک ابزار انتقال اطلاعات نیست، بلکه به آینه‌ای بدل می‌شود که وظیفه بازتاب عمیق‌ترین لایه‌های وجودی یک ملت برای فهم حقیقت و التیام زخم‌های جمعی را بر عهده می‌گیرد.

سایه‌های سنگین و چالش‌های حرفه‌ای

در چنین روزهایی، غم ملی همچون ابری سنگین بر آسمان ایران سایه افکنده و دل میلیون‌ها ایرانی با درد از‌دست‌دادن عزیزانشان قشرده شده است. واژه‌ها دیگر ابزار صرف اطلاع‌رسانی نیستند؛ بلکه حامل بار اندوه، خشم، امید و انتظارند. جامعه ایران با از‌دست‌دادن هزاران نفر در یکی از دشوارترین بزنگاه‌های تاریخی خود ایستاده است و لحظاتی که بسیاری از خانواده‌ها در سکوت اشک می‌ریزند، جوانانی با صدایی زخمی از آینده می‌پرسند و ملتی با پرسش‌های انباشته به افق خیره شده است. چالش‌ها، محدودیت‌ها، فشارها و موانع فنی رسانه نیز بیشتر و شفافیت در روزنامه‌نگاری دشوارتر شده است.

شرافت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در این بزنگاه، ایجاب می‌کند که اصحاب رسانه نه به‌عنوان ابزار «سپاه‌نمایی» یا «سفیدشویی»، بلکه نگهبان مفاهیم و واژگانی باشند که قرار است حقیقت را بی‌غبار نگه دارد. این مسئولیت زمانی سنگین‌تر می‌شود که جامعه در بحران به‌سر می‌برد.

مسئولیت اخلاقی و نجوای شرافت

مسئولیت اخلاقی روزنامه‌نگار، تنها به گزارش دقیق اخبار محدود نمی‌شود و نوعی مسئولیت انسانی در قبال داغ‌دیدگان و نسل‌هایی می‌شود که صدایشان طنین‌انداز شده است. اینجااست که «شرافت در نجوا» از مسیر «روایت‌های همدلانه» و «شفافیت و صداقت» معنا می‌یابد و مرز میان اطلاع‌رسانی و هیجان‌سازی، بسیار باریک می‌شود. روایت همدلانه، حاوی گزارش‌هایی است که با دقت و حساسیت منتهی می‌شود؛ روایت‌هایی که به خواننده امکان می‌دهد خود را در شرایط «دیگری» ببیند و درک کند، نه ببیند و اعتنایی نکند. صدای معترضان، به ویژه جوانانی که از عمق بحران‌های معیشتی و آرزوی آینده بهتر برآمده، شایسته شنیده‌شدن است. رسانه‌ای که این صداها را نمی‌شنود یا نادیده می‌گیرد، نه‌تنها در انعکاس حقیقت جان‌مانده، بلکه از مسئولیت اخلاقی-انسانی خود نیز شانه خالی کرده است. خانواده‌های داغدار، تنها «سوژه» خبر نیستند، آنها راوی آرزومندان ناگامی هستند که داستانشان فراتر از ارقام سرد باید روایت شود.

در روزهایی که شایعه و ابهام فضا را پُر کرده، رسانه‌های اخلاق‌مدار با رویکردی مسالمت‌آمیز، واقعیت‌ها را آن‌گونه که هست روایت می‌کنند نه کمتر و نه بیشتر! شفافیت، مرهمی است بر زخم بی‌اعتمادی. وقتی نه‌تنها معترضان، رهگدازان و حتی کودکان نیز در اعتراضات کشته شده‌اند، رسانه موظف به بازتاب این واقعیت، با احترام به همه طرف‌هاست. صداقت، سرمایه‌ای است که اگر فروپاشد، هیچ تحلیلی دیگر شایده نخواهد شد. اصحاب رسانه باید مدافع تمام مؤلفه‌های اخلاقی به‌ویژه کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری، انصاف و استقلال باشند. آنها با حفظ حرمت خانواده‌های داغدار و پرهیز از ابزاری‌سازی رنج، می‌توانند کرامت انسانی را حفظ کنند؛ با بازنگری شجاعانه لغزش‌های خبری، می‌توانند اعتماد عمومی را بازسازی کنند و مسئولیت‌پذیر باشند، با تفکیک مرز خبر و تحلیل برای کاهش قطعی‌سازی جامعه، می‌توانند انصاف را رعایت و با تعهد به دفاع از حقوق مردم و دفاع از آزادی، از منشور اخلاق حرفه‌ای رسانه صیانت کنند.

رویکرد جامعه‌شناختی

از منظر جامعه‌شناسی، بحران‌های فعلی ایران را نمی‌توان صرفاً به فقر یا انسداد سیاسی تقلیل داد. این بحران‌ها به معنای فروپاشی امکان تصور آینده به‌مثابه یک افق قابل برنامه‌ریزی است. کنش اغلب مردم به‌ویژه زنان و جوانان ایرانی، متکی بر «قدرت حضور» در فضای عمومی است که در بیشتر بحران‌ها به عامل اصلی همبستگی تبدیل می‌شود.

همبستگی در این فضا به معنای درک این حقیقت است که درد یک خانواده، زخمی بر پیکر کل جامعه است.

شنبه ۲ اسفند ۱۴۰۴
۳ رمضان ۱۴۴۷
۲۱ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۳۲
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید:

توقف فعالیت کودکان‌های بدون مجوز • انرژی و پشت پرده پرونده هسته‌ای ایران • وزارت کار: حذف جدید یارانه نداریم

«در «شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، تعلیق سیاست خارجی در دو گانه «جنگ» و «مذاکره» را واکاوی می‌کند

میان شمشیر و شاخه زیتون

گزارش تیتربک رادر صفحه ۲ بخوانید



«شرق» وضعیت زنانی را که زندگی‌شان در آتش بازار جنت آباد سوخت، روایت می‌کند.

زنان «جنت» خسته بی‌سرمایه و بدهکار

این گزارش را در صفحهٔ بخوانید عکس: سهند تاجی شرق

یادداشت

تأثیر عوامل داخلی و خارجی بر شکل‌گیری اعتراضات



زهرا کریمی

عضوهیئت علمی بازنشسته دانشگاه مازندران

سفره بخش اعظم خانوارها زمینه اصلی اعتراضات سراسری در سال ۱۴۰۴ بوده است. از سال ۱۳۹۰ تاکنون رشد درآمد سرانه تقریباً صفر بوده و شکاف میان ایران و اکثر کشورهای منطقه به نحو درخور توجهی تعمیق شده است. به طور مثال کشور عمان که در سال ۱۹۷۰ تنها دو ژنراتور در آن وجود داشت که بخشی از شهر مسقط و کاخ سلطان را روشن می‌کرد و فقط دو دبستان

یادداشت

روایتی جعلی برای یک «سیاست ارزی»



ابوالفضل گرمایی

شد، کجا رفته است؟ جالب اینجااست که دولت نیز بارها تاکید کرده که ارز ترجیحی حذف نشده، بلکه عیناً به انتهای زنجیره منتقل شده و این موضوع در ردیف‌های منابع و مصارف جدول شماره ۱۴ بودجه ۱۴۰۵ به‌خوبی نشان داده شده است. این تاکید مکرر به این معناست که ریالی از این محل نصیب دولت نشده است. با این حال واقعیت اینجااست که انتقال رانتی که اصولاً باید به قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌افزود (یا حداقل آن را تغییر نمی‌داد)، عملاً به کوچک‌شدن قدرت خرید آنها انجامیده است و رانت مزبور به جای اینکه بخار شود(!) از در پشتی وارد اقتصاد شده و از طریق جهش نرخ ارز و انتظارات تورمی، به افزایش قیمت دارایی‌ها و درآمد ریالی گروهی از ذی‌نفعان منتقل شده است. اینکه هنوز برخی «بازی خورده» (بدون توجه به نتایج عملی طرح مشابه حذف ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۱) به زور «محاسبات گمراه‌کننده» برای اثبات موفقیت این طرح دست‌وپا می‌زنند، ناشی از نبود فهم پوششی‌بودن سیاست اول برای اجرای سیاست دوم است. انتقال ارز صنایع بزرگ (پتروپالایشی‌ها، فولادی‌ها و…) به تالار دوم (ارز ۷۰ تومانی به ۱۳۵ تومانی) با توجیه خروج از «نظام ارز چندرنخی» نابهنجه، درآمد دوبرابری را نصیب آنها می‌کند. این عملیات درواقع ادامه همان فرایند سودجویی رایجی است که باید در پوشش احترام به بازار آزاد و رقابت(!) پنهان بماند. محال‌بودن پایبندی به نرخ ارز یکسان در کشوری متکی به رانت نفت و انرژی که تولید با هزینه‌های متفاوت مبادلات و تأمین منابع رخ می‌دهد، آن‌قدر بدیهی است که یک آدم

آمریکا سخت‌گیری‌های هسته‌ای در پیمان با ریاض را کاهش می‌دهد

چراغ سبز غنی‌سازی اورانیوم در عربستان

۴

برگزیده‌ها

قدرت خرید کارگران ایرانی به کمتر از یک سوم ابتدای دهه گذشته رسید

غصه نان

۳

نگاهی تحلیلی به آثار گونه ورزشی در سینمای ایران

چه تصویری از ورزش زنان در سینمای ایران ارائه می‌شود؟

۷

افزایش ۶۶درصدی نرخ گاز؛ زنگ خطر برای مزیت رقابتی فولاد ایران

۷

درخواست سخنگوی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران نوجوانان معترض آزاد شوند

۸

نگاه

مثلت تعارض وریشه‌های

پنهان اعتراضات

یادداشتی از سعید نبی

۸

راهبرد سیاسی ایران در

به رسمیت شناختن طالبان

یادداشتی از احسان الهی مقدم

۶

یادداشت

اصلاح‌طلبی چیست، اصلاح‌طلب کیست؟



مهرداداحمدی‌شیخانی

از همان نیمه دوم دهه ۷۰ و بعد از پیروزی آق‌ای خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ که به مرور عبارت اصلاح‌طلبی‌وارد فرهنگ سیاسی ایران شد، این بحث هم شکل گرفت که آیا اصلاح‌طلبی از همان دوم خرداد آغاز شده یا در فرهنگ سیاسی ایران، سابقه‌ای پیشینی دارد؟ برای یافتن جواب این سؤال، ابتدا می‌بایست اصلاح‌طلبی را تعریف کرد و سپس براساس این تعریف، به کاوش در گذشته پرداخت و دید که چنین مفهومی را چه کسانی پیش از این نمایندگی می‌کردند. مدعای امروزین هرکس که وارد وادی سیاست می‌شود، بهبود روزگار و معیشت مردم و فراهم‌کردن آسایش آنان است. برخی برای رسیدن به این هدف معتقدند باید از ابتدا «طرحی نو» در انداخت، حتی اگر لازم باشد که فلک را سقف بشکافیم» و برخی بر این باورند جامعه در طول قرن‌ها، بنیان‌هایی یافته که تغییر آنها به سادگی ممکن نیست و آنها را «بیرون نمی‌توان کرد، الا به روزگاران». این‌دو نگاه سابقه‌ای طولانی در فرهنگ و ادبیات ما دارد؛ یکی می‌گوید همه چیز را باید زیر و زبر کرد و از نو طرحی در انداخت و دیگری می‌گوید تغییر امری کام‌به‌کام و مرحله‌ای است و برعکس نرون (امپراتور روم) که آرزو داشت تمام روم یک بدن بود و یک سر داشت تا او بتواند به یک ضربه شمشیر، سر از تنش جدا کند، نمی‌توان با یک ضربه به همه چیز خاتمه داد. چنین تصویری از آنجا ناشی شده که جامعه را به انسان تشبیه می‌کنیم و گمان داریم جامعه هم یک تن واحد است و تنها یک سر دارد، درحالی‌که جامعه و مسائل آن، مانند اسطوره «جیسون» از آرگوناتا، از اسطوره‌های یونانی است. آرگوناتا، ازدهای هفت‌سری است که هرگاه جیسون یک سر آن را قطع می‌کند، نه‌تنها شش سر دیگر باقی می‌ماند، بلکه به جای سر قطع‌شده، سر دیگری درمی‌آید و جیسون همواره با همان ازدهای هفت‌سر قبلی روبه‌روست…

۷

صفحه

انامه‌در

۴

۷

صفحه

انامه‌در

۴